

جلسه پانزدهم روح و غذای روح

«کوثر، پرانرژی ترین غذای روح»

۱- کوثر، پرانرژی ترین غذای روح

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ لَا سِيَّمًا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَزْوَاحِ
الْعَالَمِينَ لِثَرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

۲- قرابت ظاهری و باطنی با پیامبر صلی الله علیه وآله

میلاذ مسعود حضرت صدیقہ کبری فاطمہ زهرا
سلام الله علیها را به همه دوستان خاندان عصمت و
بالأخص شما عزیزان تبریک عرض می کنم، امیدوار هستم
زیر سایه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه همه ما از همه آفات

و لغزش‌ها و خطاها مصون و محفوظ باشیم. خدای تعالی در قرآن مجید گاهی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها را به «ذَا الْقُرْبَى» نام برده است و گاهی به کوثر نام برده است. قرابت در اینجا اگرچه از نظر ظاهر منظور قرابت ظاهری است ولی از آیات و روایات استفاده می‌شود که قرابت‌های ظاهری زیاد اهمیّت ندارد و گاهی هم قرابت‌های ظاهری از بین می‌رود همان طوری که خدای تعالی به حضرت نوح می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ»^۱ از فرزند کسی نزدیک‌تر به انسان نیست ولی وقتی قرابت باطنی نباشد، قرابت روحی نباشد، قرابت بدنی یا قرابت لباسی زیاد اهمیّت ندارد. اینکه ما برای روح بدن را به لباس تشبیه کردیم اگر مثلاً رنگ لباس‌های دو نفر یکی باشد ولی از نظر باطن یکی

۱ - سوره هود، آیه ۴۶.

کافر باشد و یکی مسلمان باشد، ما به خاطر اینکه رنگ لباس آن‌ها یکی هست یا از یک مغازه خریداری شده است یا از یک توپ پارچه بریده شده است برای این جهت هیچ چیز را به هیچ کس انتساب نمی‌دهیم. فرزند در صورتی فرزند انسان است که اخلاقیات او، ایمان او، اعتقادات او با انسان تطبیق پیدا کند و إلا اگر مسئله زاد و ولد باشد، جنبه حیوانی باشد، فقط فرزند یک شخصی، یک فردی بود این را قرابت می‌گویند مثل همان پارچه‌ای که از سر یک توپی شده باشد، برای این دوتا لباس قرابت ظاهری هست اما قرابت معنوی که شامل حال صاحب لباس باشد نیست.

در این آیه‌ای که می‌فرماید: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»^۲ ذَا الْقُرْبَى
صد در صد یا لا اقل نود درصد منظور قرابت باطنی است که
در این آیه شریفه شامل فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها {می‌شود}
وقتی که از جانب پروردگار دستور داده شد که فدک به
حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها واگذار بشود اینجا کلمه «ذَا
الْقُرْبَى» به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها اطلاق شد «ذَا
الْقُرْبَى» یعنی صاحب قرابت. قرابت هم قرابت معنوی و
قرابتی است که بین دو تا انسان، آن هم پیغمبر اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله و فاطمه اطهر برقرار است. این قرابت باز
قرابت پدر و فرزندی نیست، این قرابت، قرابت روحی
است. آنقدر مقام فاطمه اطهر سلام‌الله‌علیها بالا است که
در جمیع صفات با رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هماهنگ

۲ - سوره اسراء، آیه ۲۶.

و با رسول اکرم هم افق است و آنچنان این قرابت اهمیّت دارد که وقتی در چند مورد قضیهٔ خمسۀ طیبه در کساء به وجود می‌آید از میان زن‌هایی که انتخاب می‌شود فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است، حتی اُم سلمه جلوی درِ اتاق می‌آید و می‌خواهد وارد آن جمع بشود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به او می‌فرماید: «أَنْتِ عَلَى خَيْرٍ» تو خوب هستی، راه تو خوب است، انسان درستی هستی، ولی تو جزو این جمع نیستی. حتی جبرئیل می‌آید که در حدیث کساء می‌خوانیم که جبرئیل وقتی می‌آید که ششمین نفر از آنها بشود تا حدی او را احترام می‌کنند و او را راه می‌دهند اما جزء خمسۀ طیبه نیست. این قرابت، قرابت روحی است، قرابتی است که هم علی بن ابیطالب علیه‌السلام این قرابت را دارد با اینکه پسر عموی پیغمبر است و هم

امام حسن مجتبی علیه السلام این قرابت را دارد و هم سید الشهداء علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها این قرابت را دارند، این ها پنج معصوم هستند، آن هم در حد عصمت از جهل، نه عصمت از گناه. نه تنها عصمت از نداشتن سهو و نسیان و اشتباه، بلکه عصمت از جهل دارند، یعنی هیچ موضوعی در عالم وجود نیست، در ماسوی الله هیچ چیز نیست جز آنکه آن ها احاطه علمی دارند. وقتی که علی بن ابیطالب علیه السلام یک مقدار از آینده خبر می دهد بعد می فرماید: «کل ذلک علم إحاطة لا علم إخبار» همه این ها علم احاطه است، من احاطه دارم، احاطه علمی دارم به گذشته و آینده و حال. علم اخبار نیست که خبری به من داده باشند و من هم این خبر را نقل کنم. روح مقدس معصومین علیهم السلام بر ماسوی الله احاطه دارد.

بنابراین می بینید همان طوری که پیغمبر، همان طوری که
علی بن ابیطالب، همان طوری که امام حسن و امام حسین
علیه السلام و فرزندان ابی عبدالله الحسین و همان طوری
که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه احاطه علمی به ماسوی الله
دارند فاطمه زهرا سلام الله علیها هم احاطه علمی دارد و از
این جهت صاحب قرابت با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
است، این یک مطلب.

۳- کوثر، پر انرژی ترین غذای روح

مطلب دیگر درباره حضرت زهرا سلام الله علیها که دیشب
هم یک مقداری به آن اشاره کردم، هفته های گذشته هم
مطالبی در این ارتباط گفت هام و امروز هم که روز تولد
حضرت زهرا سلام الله علیها است عرض می کنم، ما یک

غذای روحی می‌خواهیم، روح ما که همان خود ما است و بدن ما که مثل لباس ما است این روح ما که خود ما است و خود ما هستیم این غذا می‌خواهد.

غذاهایی را در هفته‌های گذشته برای روح عرض کردم، آفات آن، امراض آن، معالجات آن تا حدی به مقتضای مجلس اشاره شد ولی برای غذای روح از همه سفره‌ها بازتر، از همه غذاها پُر قوه‌تر، پُر انرژی‌تر غذایی است که فاطمه اطهر سلام‌الله‌علیها سر سفره آن هست. خدای تعالی این سفره را به نام کوثر اسم گذاری کرده است. کوثر یعنی خیر کثیر، یک وقتی انسان یک جایی می‌رود، یک شخص سخاوتمندی یک سفره-ای انداخته است شما نگاه می‌کنید می‌بینید همه گونه غذا هست، همه چیز هست، هیچ چیز را فروگذار نکرده است، سفره کوثر آنقدر پُر از مواد

غذایی است که هیچ چیز در آن فروگذار نشده است. چرا؟
به خاطر اینکه این سفره دارای خیر کثیر است و خیر کثیر
در آیات قرآن که تفسیر شده است و بلکه اظهار شده است
و بلکه رسماً بیان شده است حکمت است که می‌فرماید:
«وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۳ حکمت
چیست؟ حکمت یک غذایی است برای روح انسان که
همان طوری که در هفته‌های گذشته توضیح دادم مثلاً هر
قاشقی از این غذا را شما بخورید کلی انرژی می‌گیرید، کلی
روح شما رشد می‌کند، حکمتی که از کوثر انسان بگیرد این
حکمت هیچ مسئله‌ای ندارد، در غذاهای مادی و بدنی
خود گاهی می‌شود که انسان با یک دلهره‌ای غذای لذت
بخش را می‌خورد، گاهی دلهره دارد که این غذا مبادا فاسد

۳ - سوره بقره، آیه ۲۶۹.

باشد، مانده باشد، مبادا من از این غذا زیاد بخورم مثلاً
برای من سنگین بشود، عوض اینکه انرژی به من بدهد من
را مریض کند و من نتوانم به اصطلاح آن سلامت خود را
حفظ کنم اما در غذایی که سر سفره حضرت فاطمه زهرا
سلام الله علیها، سر سفره کوثر انسان می خورد غذای روح
انسان که حکمت است این هیچ دغدغه ای ندارد.

۴- فرق غذای روح دغدغه دار با کوثر

در همین دنیا غذاهای روح دغدغه دار زیاد داریم، یک
غذاهایی هست مثلاً انسان از سفره فلاسفه می خورد، از
سفره متصوفه می خورد، غذاهایی هست که انسان بر سر
سفره افراد منحرف نشسته است و می خورد، همه این ها
دغدغه دارد آیا این غذا غذایی است که در آن مثلاً

میکروب‌های مختلف هست یا نیست؟ بعضی از اوقات انسان حتی می‌بیند سخنران‌هایی هستند که یا از ذوق خود حرف می‌زنند و یا از کتبی که با ذوق‌های مؤلفین تألیف شده است حرف می‌زنند یا گاهی مثلاً به وسیله شعر، به وسیله مسائل ادبی با فشار به خورد انسان می‌دهند، همه این‌ها برای روح دغدغه دارد، مخصوصاً برای روح. علومی هست که دغدغه دارد که انسان آیا از این علوم می‌تواند استفاده بکند یا نه؟ آیا برای روح انسان مفید هست یا نه؟ اما کوثر، حکمت، شناخت حقایق اشیاء از راه وحی، شناخت حقایق اشیاء از راه انبیاء و اولیاء، شناخت حقایق اشیاء از راه قرآن و عترت اصلاً دغدغه ندارد، یعنی یقیناً هر جمله‌ای از آیات قرآن برای روح انسان خیلی مفید است، مثلاً هر یک آیه‌ای از آیات قرآن یک

سفره بسیار پُرغذا و پُرانرژی هست که برای انسان پهن شده است، آیا کسی می‌تواند تردید بکند که این حکمتی که در قرآن گفته شده است این حکمت آیا برای انسان مفید هست یا مفید نیست؟ نمی‌شود بگوییم که برای روح انسان یک آیه‌ای از آیات قرآن باشد که این مفید نباشد، بر علم انسان افزوده می‌شود، بر معنویت انسان افزوده می‌شود، همه آیات قرآن مطالب علمی است که باید انسان داشته باشد.

بالآخره آیات قرآن از سه علم خارج نیست: یکی درباره تکمیل اعتقادات روح انسان است که این در قیامت خیلی به درد می‌خورد، اعتقادات انسان اگر درست نباشد به خصوص در اصول اعتقادات، حالا در فروع آن می‌گوییم مسئله‌ای نیست ولی در اصول آن، همان چیزی را که در

زیارت آل یاسین به آن معتقد می‌شویم. در اصول اعتقادات اگر انسان به آن معتقد نباشد این یقیناً به جهنم می‌رود، ببینید زندگی ابدی انسان را به هم می‌ریزد. بخش دومی که می‌شود گفت قرآن برای این جهت نازل شده است برای تزکیه نفس است، انسان خود را بسازد که اگر انسان تزکیه نفس نکند قطعاً باز او را به بهشت راه نمی‌دهند و بخش سوم مسائل اعمال ما و احکام ما است که حالا یا از طریق تقلید یا از طریق اجتهاد باید انسان این را هم یاد بگیرد و هم عمل کند. پس می‌بینید که قرآن از همین علوم خارج نیست، قرآن نیامده است به ما درس‌های مختلف و علوم مختلف را تعلیم بدهد بلکه آمده است ما را چیزی تعلیم بدهد که برای زندگی ابدی ما فایده داشته باشد.

با یک مثال شاید مطلب کاملاً روشن بشود، اگر شما از یک راهی عبور می‌کنید و می‌خواهید به مقصدی بروید و آنجا زندگی بکنید، ببینید در وسط راه یک پلی ساختند و شما می‌خواهید از آن عبور کنید، یکی آنجا جلوی پل ایستاده باشد کلی شرح بدهد که این پل چطوری ساخته شده است و مثلاً چه استحکامی دارد یا چه خصوصیتی دارد، می‌گویید: آقا من کار دارم، فرصت اینکه این‌ها را نگاه بکنم ندارم، مخصوصاً مسئولیتی هم که نداشته باشید می‌گویید: ما می‌خواهیم با سرعت عبور کنیم، تو جلوی ما را گرفتی و ما را معطل کردی که این پل را چطوری ساختند، به ما چه ربطی دارد؟ همین قدر که خراب نشود تا ما عبور کنیم برای ما کافی است. دنیا قنطره است، دنیا پلی است، حالا کلی انسان بنشینند درباره‌ی اینکه این دنیایی که قنطره

است و پل است و محل عبور است دربارهٔ این دنیا انسان بنشینند صحبت کند. گاهی ضرورت دارد که یک مهندسی پیدا بشود و این پل را بسازد، گاهی ضرورت دارد که یک بنایی باشد و این پل را تعمیر کند، گاهی ضرورت دارد که یک کسی باشد استحکامات پل را بسنجد، این‌ها {خوب است که باشد} اما دیگر همه بخواهند بچسبند به اینکه این پل را درست بکنند، همه باید از خصوصیات این پل اطلاع داشته باشند ضرورت ندارد، مخصوصاً اگر انسان از مقرّر خود، خانهٔ قرار خود، خانهٔ دائمی خود اطلاعی هم نداشته باشد ولی از پل خیلی اطلاع دارد، این خیلی احمق است، خیلی نافهم است. ما الآن در همین وضع واقع شدیم، الآن کاملاً در این وضع واقع شدیم، ما از دنیای خود خوب اطلاع داریم، فاصلهٔ بین تهران و مشهد چقدر

است، خاک کجا خوب است، کجا پرورش درخت خوب است، چه، چه، خیلی چیزها را می‌دانیم، حتی {در حیطة} پزشکی و مهندسی، یکی مهندس است، یکی پزشک است، اگر برای خدا نباشد و برای دنیای خود باشد همین طور است یعنی در بالای پل حالا شما مریض شدید می‌گویید آقا زود رد بشویم آن طرف برویم و به دار قرار برسیم. خدای تعالی آخرت را دار قرار می‌فرماید، دنیا دار مَمَرَّ است «وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ» مَقَرَّ یعنی جایی که انسان می‌خواهد اقامت کند، قرار بگیرد، بماند. بنابراین وضع ما همان طور است، هیچ اطلاعی از جایی که می‌خواهیم تا ابد زندگی کنیم نداریم. نگویید این مردم اطلاع ندارند ولی ما داریم، نه، شماها هم که الآن مورد خطاب من هستید آن طوری که از دنیا خبر دارید از آخرت خود خبر ندارید، آن

طوری که از دنیای خود خبر دارید از عالم قبل از این عالم خود خبر ندارید. آخرت چه می‌شود؟

ببینید ما نسبت به آیات قرآن، شناخت حقیقت اشیا که حکمت است، شناخت مرگ و قیامت و برزخ و قبر و امثال این‌ها که حکمت است و خدای تعالی مکرر در مکرر توضیح داده است اطلاع کافی نداریم اما از زندگی دنیای خود خوب اطلاع داریم، مثلاً فلان شهر چقدر جمعیت دارد، فلان شهر بزرگ‌تر است، فلان شهر کوچک‌تر است، فلان غذا در فلان شهر زیادتر است، هوا در فلان جا بهتر است، در فلان جا بدتر است، از این‌ها خیلی اطلاع داریم، خیلی هم برای ما سخت است که بگوییم ما اطلاعی نداریم، البته اطلاع از این‌ها هم خوب است، نمی‌خواهم بگویم بد است اما همان طور که مثال زدم مثل

این است که انسان این پل در راه را خوب شناخته است که چه خصوصیتی دارد اما آن جایی که می‌خواهد برود زندگی بکند نمی‌داند که آنجا مثلاً باید برود در کاروانسرا زندگی بکند، در هتل زندگی بکند، در یک خانه‌ای زندگی بکند. جایی که می‌خواهی همیشه بمانی و مرگ هم بی‌خبر می‌آید و زود هم می‌آید ولی انسان هیچ اطلاعی از آنجا ندارد. همین الآن انسان مُرد چه می‌شود؟ یک می‌گوید دیگر تمام شد، آخرین منزل هستی این است، خیلی تعبیرات مختلفی دارند، همان تعبیراتی که مادّیین دارند، همان تعبیراتی که ملحدین دارند و اکثر ماها هم داریم، فلانی مُرد، تمام شد، گذشت و از این قبیل حرف‌ها. آن‌هایی که تازه به آخرت اعتقاد دارند نمی‌دانند چه خواهد شد، الآن چه می‌شود؟ قرآن همه این‌ها را بیان کرده است،

همه این غذاها را به روح داده است و از این جهت انسان را سیر کرده است و این حکمت و این شناخت حقایق اشیا که شامل شناخت قرآن هم می شود، شامل شناخت خدای تعالی هم می شود، شامل شناختن ائمه اطهار علیهم السلام هم می شود اسم آن را کوثر گذاشتند، این در سر سفره کوثر هست، کوثر یعنی همه چیز.

۵- حقیقت روز قیامت و شفاعت

در روز قیامت وقتی که بهشتی ها مشخص می شوند، به وسایل مختلف بهشتی ها مشخص می شوند اول کاری که می شود نامه اعمال آنها به دست راست آنها می رسد «فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ»^۴ به دست راست آنها می رسد، این

۴ - سوره اسراء، آیه ۷۱.

یک مشخصه. دوم روی نامه او، سر نامه او نوشته است
حُب علی بن ابیطالب، یعنی این شخصی که الآن به او
نامه داده شده است و صورت حساب به او داده شده است
این در ارتباط با محبت علی بن ابیطالب است، عنوان
صحیفه مؤمن محبت علی بن ابیطالب است، این دو
مشخصه. سوم اینکه «فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَاباً يَسِيراً»^۵
خیلی حساب او را آسان گرفتند. می گویند: آقا حساب
شما چیست؟ این هم دیگر از اول تا به آخر نمی خواهد
بخواند، آن آخر جمع زدند، این است، بگیر و برو، این هم
هست. از همه مهم تر به او کمک می کنند. این ها را که
عرض می کنم برای کسانی است که تزکیه نفس نکردند و در

۵ - سوره انشقاق، آیه ۸.

این دنیا از اولیاء خدا نشدند ولی شیعهٔ علی بن ابیطالب هستند.

اولیاء خدا، اصحاب اعراف، آن‌هایی که در آسمان چهارم از اولیاء خدا هستند، آن‌هایی که با شهداء و صدیقین و انبیاء و صالحین رفیق هستند این‌ها کمک آن‌ها می‌کنند، این‌هایی که در آسمان چهارم هستند این‌ها می‌آیند و به آن‌ها کمک می‌کنند، به آن‌ها می‌رسند، مثلاً آقا چکار بکن که این صفت کبر از تو برود، صفات رذیله به طور کلی در قیامت از بین برود تا بتوانی وارد بهشت بشوی. در مرزها گاهی پیش می‌آید که انسان می‌خواهد از یک مرزی به یک مملکت دیگری عبور کند ولی گذرنامهٔ انسان یک مشکلی دارد، گاهی می‌شود یک قلم خوردگی در آن هست، بچه آن را برداشته است و یک خطی در آن کشیده است یا اینکه

اصلاً اعتبار آن تمام شده است یا زبان بلد نیست، ما یک نفری را دیدیم سه شبانه روز در این مرز سوریه و ترکیه مانده بود، چون زبان بلد نبود و این‌ها هم نمی‌فهمیدند این چه می‌گوید، یک زبان‌دان پیدا شد و رفت در مدت پنج دقیقه کار این را درست کرد، این اولیاء خدا کمک می‌کنند که امیدوار هستیم شماها با جدی گرفتن برنامه‌های تزکیه نفس خود جزو آن‌ها بشوید، می‌آیند کمک می‌کنند، تا چهل نفر را شفاعت می‌کنند، معنای شفاعت همین است، یعنی بین این‌ها و بین آن طرف مرز فاصله افتاده است، بین آن‌ها و بهشت فاصله افتاده است، این‌ها می‌آیند جفت می‌کنند. البته این اولیاء خدا غیر از ائمه اطهار علیهم‌السلام و مثلاً اولیاء درجه یک هستند، همین افرادی که بالأخره وقتی که از دنیا رفتند جزء صالحین،

صدیقین بودند و یا از رفقای این‌ها شدند که «حَسَنَ أَوْلَیِّكَ رَفِیقاً»^۶ این‌ها می‌آیند و آن‌ها را نجات می‌دهند، کمک می‌کنند، آن‌ها را وادار به تزکیه نفس می‌کنند و وارد بهشت می‌کنند. همه این‌ها در ارتباط با کوثر است،

خیر کثیر و از همه شفعاء بالاتر در روز قیامت خود فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و علی بن ابیطالب است. در یک روایت دیدم که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام یک روز محزون نشسته بودند، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به ایشان فرمودند: می‌خواهی چیزی بگویم که خوشحال بشوی؟ عرض کرد: بله. فرمود: روز قیامت هزار حاجت تو را خدا برمی‌آورد که در مُقدم حوائج تو شفاعت شیعیان تو باشد، شفاعت ذریه

۶ - سوره نساء، آیه ۶۹.

تو باشد، شفاعت به همان معنا است که جفت می‌کنند
انسانی را که با بهشت فاصله دارد، حالا یا به خاطر صفات
خود یا به خاطر رذایل خود یا به خاطر اعمال خود با بهشت
فاصله پیدا کرده است این را جفت می‌کنند. همان طوری
که بلا تشبیه یک پنجره‌ای را برای یک دهنه در می‌خواهند
کار بگذارند که با هم مناسبت ندارد، این پنجره به این در
نمی‌خورد، اگر بخواهید این دوتا را با هم جور کنید از گوشه
و کنار آن میزید، مشکلات آن را رفع می‌کنید، بعضی از
جاهای آن را می‌برید یا یک چیز اضافه‌ای به بعضی از
جاهای آن جوش می‌دهید و این پنجره را مناسب با این در
می‌کنید، آن را جفت می‌کنید و همه درزهای آن گرفته
می‌شود، همین طور افرادی در قیامت هستند که این‌ها با
بهشت جور نیستند، جفت نیستند، اگر داخل بهشت

بروند هم مثل دنیا با همدیگر دشمنی می‌کنند، با همدیگر بی‌ادبی می‌کنند، رعایت حال همدیگر را نمی‌کنند، آنجا جای دعا و این چیزها نیست، جفت نیستی، تو به درد بهشت نمی‌خوری، حالا چکار کنیم؟ می‌بینید که یکی از اولیاء خدا می‌آید تیشه و رنده و ارّه خود را می‌آورد، زواید اخلاقیات شما، رذایل اخلاقیات شما را، همه این‌ها را می‌تراشد و درست می‌کند و شما را با بهشت جفت می‌کند و شما را وارد بهشت می‌کند. این معنای شفاعت است، حالا یا از خدا کمک می‌گیرد، دعا می‌کند یا خود او کاری می‌کند، این طوری است.

۶- اهمیت استفاده از کوثر

بنابراین باید در امروز که روز تولد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها است کوشش کنید که هر چه می‌توانید از کوثر استفاده کنید، از این سفره استفاده کنید، از حکمت استفاده کنید، از آیات قرآن استفاده کنید و از روایات خاندان عصمت و طهارت استفاده کنید و روح خود را رشد بدهید. اینکه امام علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ سَاوَى يَوْمَاهُ» کسی که دو روز او باهم مساوی باشد این ضرر کرده است، مغبون است، این برای این است که سفره به این خوبی برای یک کسی پهن است و گرسنه هم هست سر سفره می‌نشیند و از این سفره استفاده می‌کند. از قرآن استفاده کنید، از این وسایلی که بحمدالله برای شما فراهم شده است که خدای تعالی از خواب غفلت شما را بیدار

کرده است و به فکر تزکیه نفس هستید از این استفاده کنید، لحظه‌ای را نباید از دست بدهید، غذای روح هم این طوری نیست که انسان بگوید من دیگر سیر شدم، الآن هیچ چیزی میل ندارم، نه، روح انسان اگر حیات داشته باشد، روح انسان اگر زنده باشد، روح انسان اگر از خواب غفلت بیدار شده باشد هیچ وقت از علم، دانش، رشد، ترقی و تکامل سیر نمی‌شود، دائماً باید استفاده کند و اگر روز بعد کسی بدتر از روز قبل او باشد این مثل یک انسانی است که رفته است غذاهای بد و پُرمیکروب و کثیف را که مسموم کننده است خورده است و دیروز حال او بهتر بود ولی امروز بدتر است، دیروز قدرت و قوّت بدنی او بیشتر بود ولی امروز ضعف او بیشتر است، این خیلی بد است، این ملعون است. ملعون به معنای کسی است که از

رحمت خدا دور است، یعنی خود او به وسیله خود، به دست خود، خود را از رحمت پروردگار دور کرده است.

۷- غذای روح، با توسل به حضرت زهرا

کوشش کنید که از این سفره استفاده کنید، هیچ اشکالی ندارد، دیروز هم یک اشاره‌ای به یک مطلبی کردم و امروز هم عرض می‌کنم، هیچ مشکلی ندارد که انسان هر روز صبح یک توسلی به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها داشته باشد، نه توسلی که همین طور لقلقه لسان باشد و {با خود بگویید} من امروز دعای توسل خواندم، چون دیدید دیگر بعضی که دعای توسل می‌خوانند و ظاهرسازی می‌کنند چطوری است، با اینکه همه دعای یک طور نوشته شده است ولی در موقع گفتن «یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ» صدای خود را بلند

می‌کنند یا تکرار می‌کنند، اصلاً هم به فکر معنای آن نیستند، شماها این طور نباشید «یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، یا وَجِیْهَةً عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعِیْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» و «اَشْفَعِیْ» را هم بفهمی د یعنی چه «اَشْفَعِیْ» یعنی ای فاطمه اطهر ما با بهشت جور نیستیم، ما با اولیاء خدا جور نیستیم، ما با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان عصمت علیهم السلام سازگار نیستیم، آن‌ها یک راه می‌روند و ما یک راه می‌رویم «یا وَجِیْهَةً عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعِیْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» ما را جور کن، حالا یا توفیق آن را به خود ما بده که خود ما به دست خود آن را جور کنیم یا همین طوری، هیچ اشکال ندارد. یک مریض یا به وسیله طیب معالجه می‌شود و یا معجزه می‌شود و معالجه می‌شود، هر دوی آن را منظور کنید، ای وجیهه در نزد خدا، ای محبوبه خدا...،

خدای تعالی در بین زن‌ها یک نفر و در بین مردها هم یک نفر در رأس انتخاب کرده است، حالا شاید این را از باب تسامح گفتم که از بین زن‌ها نه «لَا يِقَاسُ بِنَا أَحَدٌ» در عالم هستی یک مرد انتخاب کرده است و آن پیغمبر اکرم است و در عالم هستی یک زن انتخاب کرده است به نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها شما اگر روزی چند مرتبه... واقعاً اشکالی ندارد این ذکر را روزی چند بار انسان بگوید «یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» با همین معنا، ای کسی که تو پیش خدا وجهه داری، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها پیش خدا وجهه دارد، آبرومند است، معنای «یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» یعنی ای آبرومند در نزد خدا، ای کسی که وقتی می‌خواهی بروی از خدا چیزی بخواهی دیگر نه جبرئیل مانع تو است، نه میکائیل، نه هیچ کس. خدای

تعالی برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سلام رساند،
حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها هم به جبرئیل فرمود و برای خدا
عرض کرد که «أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ
إِلَيْكَ يُعُودُ السَّلَامُ» بله، این طوری است. درها برای او باز
است، برای ماها درها باز نیست، معنای توسل این است،
برای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درها باز است، وقتی به
معراج می‌رفتند جبرئیل به یک جا رسید گفت «لَوْ دَنْوْتُ
أَنْمُلَةً لَأَخْتَرَقْتُ» من اگر یک قدم از اینجا جلوتر بیایم
می‌سوزم، یعنی ظرفیت ندارم بیشتر از این به خدا نزدیک
بشوم، یعنی نمی‌توانم با خدا بیشتر از این در ارتباط باشم
«لَوْ دَنْوْتُ أَنْمُلَةً لَأَخْتَرَقْتُ» ولی پیغمبر رفت، فاطمه زهرا
سلام‌الله‌علیها هم می‌تواند برود، در همان جریان کساء،
کسانی که با هم جور بودند، خیلی تعبیر ساده فارسی، با

هم جور بودند، همه به هم می خوردند، این ها را پیغمبر جمع کرد. در آن جریان مباحله با نصارای نجران همین پنج نفر با هم جمع شدند، چون همین ها با هم جور بودند، صد درصد جور بودند، همه این ها هم علم کاملی داشتند، هم عصمت کاملی داشتند، هم ارتباط آن ها با خدا هماهنگ بود، همه چیز «مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ»^۷ که معنای این بماند چون فرصت کم است، هر وقتی می توانند از خدا هر چیزی بخواهند به آن ها می دهد تو هم دامن آن ها را بگیر و از خدای تعالی بخواه، از فاطمه زهرا سلام الله علیها بخواه که تو را با خود آن ها، با بهشت آن ها، با خدای تعالی، با همه خوبی ها جفت کند و این معنای «اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» است. امی دوار هستیم خدای تعالی

۷ - بحار الانوار درج ۳۹ ص ۳۱۳.

همه ماهها را با آنها جور کند، ما را با آنها قرار بدهد، ما را
زیر سایه آنها قرار بدهد، دست ما را از دامن خاندان
عصمت و طهارت علیهم السلام کم نکند و امروز که روز
عید است و روز پنج شنبه است و شب جمعه در پیش
است و همه زمینه‌های استجابت دعا فراهم است به
خصوص این که موقع نزول باران است، همه این‌ها سبب
بشود که یک خواسته ما را **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** فاطمه اطهر
سلام الله علیها بپذیرد، عرض می‌کنیم مادر جان قربان تو
برویم ما را با خود جور کنید، ما را با خود «**فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ**» ما
را با خود قرار دهید «**لَا مَعَ غَيْرِكُمْ**» ما با کسی دیگر دوست
نداریم وارد محشر بشویم، با کسی دیگر دوست نداریم در
دنیا باشیم «**لَا إِلَىٰ عَدُوِّكُمْ**» با دشمنان شما که اصلاً، ابداً
حاضر نیستیم یک لحظه چشم ما به دشمن شما بیافتد،

علامت محبت ما این است که اگر امشب مثلاً خدا
عنایت کند که ما خواب شما را حتی ببینیم تا مدت‌ها
خوشحال هستیم ولی اگر دشمنان شما را خواب ببینیم
ناراحت هستیم که ما مگر چه گناهی کردیم که این خبیث
را، این خبیثات را، این افراد بد را، این افراد پست را در
خواب خود دیده‌ایم، این علامت محبت ما است، این
علامت این است که ما شما را دوست داریم «أَتُمِّمْ عَلَيْنَا
نِعْمَتَكَ» نعمت خود را بر ما تمام کنید، یک سرسوزن از
شما جدا نباشیم، یک سرسوزن چه در اخلاقیات خود، چه
در صفای خود، چه در صمیمیت خود و چه در اعمال
خود و عقاید خود یک سرسوزن از شما جدا نباشیم «یا
وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ
اَشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

«نسئلك اللهم و ندعوك بأعظم أسمائك و بمولانا صاحب الزمان يا الله يا الله يا الله يا الله اللهم صلى على محمد و آل محمد و عجل فرجهم» خدایا فرج امام زمان ما را به عنوان عیدی برای ما الآن قرار بده. خدایا به آبروی خاندان عصمت و طهارت ما را از بهترین اصحاب و یاران امام عصر قرار بده. خدایا به آبروی خاندان عصمت این عید سعید را بر همه ما مبارک قرار بده. مرض های روحی ما شفا عنایت بفرما. خدایا ما را مشمول شفاعت فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار بده. اموات ما غریق رحمت بفرما. عاقبت ما ختم به خیر بفرما. «و صلى الله على سيدنا محمد و آله أجمعين»